

خشونت اجتماعی و قتل

شهلا معظمی*

مقدمه

یکی از چالش‌های عمده فراروی بشر در قرن بیست و یکم «خشونت» با ابعاد و اشکال گسترده آن است. معضلی که جهان امروز، با تمام پیشرفت‌های علمی و فنی‌اش، قادر به مهار آن نبوده است. شواهد نشان می‌دهد که خشونت در تمامی سطوح زندگی روزمره رخنه کرده است به نحوی که هیچ‌کس نمی‌تواند ادعا کند که در طول عمر خود از پیامدهای این رفتار انحرافی در امان بوده است.

خشونت مختص اقدام‌های فردی یا جمعی انسان‌ها و در عین حال تهدیدی برای سلامت روابط افراد و حتی ثبات روابط کشورهاست (عامری سیاهویی، ۱۳۷۹: ۲۱).

خشونت مشکلی پیچیده و با انواع الگوهای رفتاری و فکری متأثر از عوامل بی‌شمار اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مرتبط است. در حقیقت، خشونت یک «انحراف اجتماعی» و از جمله مهم‌ترین موانع صلح، عدالت و توسعه پایدار است.

در کلی‌ترین معنا می‌توان خشونت را «استفاده عمدی از نیروی فیزیکی یا قدرت، با تهدید یا تمایل، علیه خود یا دیگری، گروه یا جامعه که موجب بروز آسیب، مرگ، آسیب‌های روانی، ضعف رشد یا انواع محرومیت‌ها گردد» تعریف کرد (گزارش جهانی خشونت و سلامت، ۱۳۸۶: ۳۱). در این تعریف، افزودن کلمه «قدرت» محدوده عمل خشونت‌آمیز را گسترش داده به نحوی که موارد ناشی از یک رابطه توأم با قدرت، تهدید و ارعاب را نیز شامل می‌شود.

اما خشونت اجتماعی پدیده‌ای است اجتماعی که باید با توجه به شرایط زمان و مکان و اوضاع و احوال اجتماعی در کلیت نظام اجتماعی تبیین شود. از این رو، گستره آن از قتل و تجاوز و ضرب و جرح تا خشونت علیه زنان، ولگردی، اوباشیگری و برهم زدن نظم اجتماعی، تخریب و حتی خشونت‌های لفظی را دربرمی‌گیرد. با توجه به اینکه جامعه ما جامعه‌ای در حال گذار و بسیار نامتعادل و بحران‌زاست، افزایش خشونت‌های اجتماعی مانعی جدی در برابر توسعه پایدار و برقراری نظم و امنیت در جامعه است. با وجود عدم دسترسی به اطلاعات و آمار دقیق در مورد خشونت‌های اجتماعی، با توجه به علل و زمینه‌های بسط این نوع خشونت‌ها از جمله نرخ بالای بیکاری، بی‌توجهی به مشارکت اجتماعی، و توزیع نابرابر ثروت و قدرت همراه با افزایش اختلافات طبقاتی، شاهد افزایش بحران خشونت‌های اجتماعی و ارتکاب جرایم سنگین‌تر از قبیل قتل و سرقت و تجاوز و تکرار جرایم خشونت‌بار و، در نتیجه، به مخاطره افتادن نظم و امنیت جامعه خواهیم بود که پیامد آن فقر و عقب‌ماندگی، نهادینه شدن فرهنگ خشونت و خسارات هنگفت انسانی و مالی است. این در حالی است که توسعه و امنیت پایدار فردی و قشری تنها در بستر جامعه توسعه‌یافته و متعادل و اجتماعی امن و متجانس تحقق می‌یابد (شجاعی زند، ۱۳۷۹: ۴۲-۴۱). در این نوشتار، با تمرکز بر خشونت اجتماعی به عنوان مانعی جدی در برابر توسعه اجتماعی، خشونت‌بارترین جرم یا قتل را به مثابه یکی از مصادیق خشونت اجتماعی مورد توجه قرار خواهیم داد و به دنبال آن به مسائلی از قبیل چپستی و چرایی

* دکترای حقوق جزا و جرم‌شناسی، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران

هریک دارای تقسیم‌بندی‌های دیگری هستند که انواع خشونت را متمایز می‌سازد.

خشونت علیه خود: خشونت علیه خود به دو گروه رفتارهای خودآزاری و خودکشی تقسیم می‌شود (گزارش جهانی خشونت و سلامت، ۱۳۸۶: ۳۴) و شروع به خودکشی را هم دربرمی‌گیرد.

خشونت بین‌فردی: ممکن است خشونت بین خویشاوندان رخ دهد، مثل خشونت در خانواده از جمله همسرکشی، فرزندکشی، پدر یا مادرکشی، یا بین افرادی که خویشاوندی ندارند اما یکدیگر را می‌شناسند. این نوع خشونت معمولاً در محیط‌های خصوصی و در خفا صورت می‌گیرد. یا احتمال دارد خشونت را فردی غریبه مرتکب شود، مثل کسی که در ازای دریافت پول مرتکب قتل می‌شود، یا بدون هدف مثل درگیری بر اثر تحریک یا تصادف رخ دهد.

خشونت گروهی: خشونت گروهی به اعمال خشونت‌باری اشاره دارد که گروه بزرگی از افراد یا دولت مرتکب می‌شوند. خشونت گروهی برای پیشبرد مقاصد خاص صورت می‌گیرد و شامل خشونت‌های نژادی، خشونت گروه‌های سازمان‌یافته، فعالیت‌های تروریستی و آشوب‌های عمومی است. خشونت گروهی به سه دسته خشونت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی تقسیم می‌شود. خشونت اقتصادی حمله‌هایی است که هدف از آنها تضمین سود اقتصادی عامل خشونت است.

خشونت سیاسی شامل جنگ و دیگر درگیری‌های خونبار (همان: ۳۵) و همچنین خشونت دولتی یا «خشونت ساختاری» یا «خشونت غیرمستقیم و نهادی» است که عبارت است از خشونت پنهان و پوشیده، ناشی از انعطاف‌ناپذیری اصول ساختاری و تقسیم نابرابر قدرت و منابع در درون ساختارهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و حقوقی. در این نوع خشونت، که از جانب دولت یا جامعه نسبت به شهروندان اعمال می‌شود، قربانی به طور مشخص دیده نمی‌شود. این خشونت اهمیت زیادی دارد زیرا با توجه به انحصاری بودن قدرت در دست دولت و در قلمرو یک حاکمیت، دولت‌ها با امکانات خود قادر به اعمال خشونت گسترده هستند؛ و با در نظر گرفتن اینکه دولت واضح قانون نیز هست، در فرایند مجازات کیفری، اعدام مجرمان سیاسی، زندانی کردن مخالفان، جرم‌انگاری اعمال شهروندان، و همچنین مواردی چون نسل‌کشی و جنایت جنگی از مصادیق بارز خشونت ساختاری به شمار می‌روند.

خشونت اجتماعی و علل افزایش آن، پیامدهای خشونت اجتماعی برای توسعه پایدار، به‌ویژه قتل و جراحات ناشی از خشونت اجتماعی که نشانه بارز خشونت در اجتماع است خواهیم پرداخت.

۱. تعاریف

۱.۱. خشونت

تعریفی از خشونت که مورد توافق همه صاحب‌نظران باشد وجود ندارد. به طور کلی، خشونت را در لغت «درستی، زبری، غفلت، خشم، غضب و تندی کردن، بی‌حرمتی، جور، تعدی و اعمال زور» معنی کرده‌اند (دهخدا، ۱۳۳۷: ۳۷۹). خشونت، در تعریفی دیگر، استفاده عمومی از نیرو یا قدرت فیزیکی، تهدید یا تمایل به تهدید نسبت به خود یا سایر افراد جامعه معنا شده است که می‌تواند بدون آسیب یا همراه با جراحت، مرگ، صدمه روحی، نقصان رشد و تکامل یا رنج و محرومیت‌های دیگر باشد (قاسمی، ۱۳۸۷: ۲۶). در فرهنگ حقوقی، خشونت به معنای استفاده ناروا، غیرقانونی و تعرض‌آمیز از قدرت آمده است که در بیشتر موارد با بی‌حرمتی شدید یا خشم زیاد همراه است. همچنین سوءاستفاده از قدرت بر ضد حقوق عمومی، قوانین و آزادی‌های همگانی و سرانجام اعمال زور با هر نیروی فیزیکی برای صدمه و خسارت زدن یا سوءاستفاده تعریف شده است (Campbell, 1998: 911). خشونت مفهومی ساده نیست و بار حقوقی، اخلاقی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی دارد. بعضی از حقوقدانان خشونت را «استفاده نامشروع و غیرقانونی از زور و قدرت تعریف می‌کنند» (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۹: ۹-۸). یک نوع خشونت، اجبار غیرقانونی است که در برابر آزادی‌های عمومی به کار گرفته می‌شود و جرایم خشونت‌آمیز جرایمی هستند با جنبه فیزیکی یا جنسی بی‌نهایت شدید، مثل قتل عمد، تجاوز به عنف یا کتک زدن (حبیب‌زاده و دیگران، ۱۳۸۵).

۲.۱. انواع خشونت

گستره خشونت و عملکرد آن با گذشته تفاوت پیدا کرده است. تقسیم‌بندی‌های متعددی از خشونت وجود دارد، از جمله سازمان جهانی بهداشت خشونت را یکی از شاخص‌های توسعه پایدار و مهم‌ترین مشکل بهداشت عمومی در جهان دانسته و با توجه به عامل خشونت، آن را به سه گروه تقسیم می‌کند: خشونت فرد علیه خود، خشونت بین‌فردی، خشونت گروهی. این سه دسته کلی

(Imbush, 2005: 30).

در خشونت‌های اجتماعی، قربانیان خشونت نه تنها افراد که جوامع هستند. هدف از این نوع خشونت محروم کردن از فعالیت و کنش اجتماعی با دیگران است. خشونت اجتماعی ممکن است منشأ داخلی یا خارجی داشته باشد. از جمله خشونت‌های اجتماعی داخلی می‌توان به اغتشاش و بی‌نظمی، اعمال گروه‌های بزهکاری، خشونت باندهای خیابانی (اراذل و اوباش)، شورش اجتماعی، تظاهرات توده‌ای خشونت‌آمیز، تخریب اموال عمومی، شعارنویسی، سرقت، تعدی و تجاوز، قتل، نفی آزادی، و سلب اختیار از مردم در تعیین مدیریت جامعه یا نظارت بر حاکمان اشاره کرد. خشونت‌های اجتماعی مواردی همچون استعمار، تحمیل نظام تک‌محصولی به منظور وارد آوردن فشار بر ملت‌ها در جهت تأمین منافع قدرتمندان، اشاعه مفاسد اخلاقی که استعمار فرهنگی نام گرفته، تحقیر و توهین به مقدسات و مبانی اعتقادی جامعه، و تحقیر نژادپرستانه جوامع را دربرمی‌گیرد (هزاوه‌ای، ۱۳۸۳: ۲۹). بخش خاکستری این نوع خشونت در خشونت‌های سیاسی و به شکل تروریسم، جنبش‌های چریکی، شورش، انقلاب، جنگ‌های داخلی، و کودتا بروز می‌کند (Imbush, 2005: 30).

آنچه مسلم است خشونت اجتماعی را نمی‌توان منفک از خشونت فرهنگی یا اوضاع و احوال اقتصادی در نظر گرفت، در عین حال تحولات تاریخی هر جامعه نیز بر کیفیت و کمیت خشونت اجتماعی در هر مقطع زمانی تأثیر می‌گذارد. از منظر جامعه‌شناسی شهری، در جامعه، نوعی وحدت جرایم اجتماعی مشابه با انکارهای شناخته‌شده مشاهده می‌شود که به تناسب ملاحظات و ویژگی‌های فرهنگی هر جامعه دارای شدت و ضعف است (بوئر، ۱۳۸۲: ۸). نمونه‌های بسیاری از تظاهرات و تجمعات ناهماهنگ در نقاط شهری به چشم می‌خورد که در موارد زیادی در قالب وندالیسم بروز می‌یابد. معمولاً نوجوانان در ظهور خشونت‌های اجتماعی و شهری دخالت دارند.

وضعیت یادشده در بسیاری از کشورهای رو به توسعه به چشم می‌خورد. فعل و انفعالات ناشی از خشونت و زاییده خشونت، امور مربوط به نظم اجتماعی، روند توسعه و نظایر آن را منحرف یا متوقف می‌گرداند (شیخی، ۱۳۸۷: ۱۱۶).

۳.۱. پیامدهای خشونت

در تمام اعمال خشونت‌آمیز حتی خشونت علیه خود، یکی از اشکال خشونت جسمی، جنسی، روانی، و غفلت و محرومیت وجود دارد. در بسیاری از موارد ممکن است خشونت آسیب‌های اجتماعی و روانی و فیزیکی در پی داشته باشد اما به معلولیت و مرگ منتهی نشود. عواقب خشونت ممکن است به طور آنی ظاهر نشود و پنهان بماند و سال‌ها پس از آسیب اولیه آشکار گردد. مثلاً همسرآزاری یا کودک‌آزاری که اغلب در منزل اتفاق می‌افتد می‌تواند آسیب‌های جسمی یا جنسی یا روانی و همچنین غفلت یا محرومیت به دنبال داشته باشد. خشونت اجتماعی مواردی مثل حمله‌های فیزیکی بین جوانان، خشونت اتفاقی، تجاوز یا حمله جنسی افراد غریبه، خشونت جنسی در محل کار، و محروم‌سازی و آزار در مراکز نگهداری سالمندان، مدارس و زندان‌ها را دربرمی‌گیرد. خشونت سیاسی نیز می‌تواند پیامدهایی نظیر تجاوز در حین درگیری و خشونت جسمی و روانی داشته باشد (گزارش جهانی خشونت و سلامت، ۱۳۸۶: ۳۲ و ۳۶).

این گونه رفتارهای خشونت‌بار نظم اجتماعی را مختل می‌سازد و هزینه‌های هنگفتی برای برقراری نظم و امنیت و مهار خشونت به مردم و مالیات‌دهندگان تحمیل می‌کند. همچنین هزینه‌ها و فرصت‌هایی که باید در خدمت توسعه فرهنگی و بهداشتی و رفاهی جامعه قرار گیرد صرف مهار خشونت می‌شود. با گسترش خشونت اجتماعی، حس اعتماد عمومی نیز مخدوش می‌گردد. مردم نسبت به تعهدات خود در روابط متقابل اجتماعی بی‌اعتنا می‌شوند، زورگویی و استثمار بر روابط اجتماعی حاکم می‌گردد، مردم دچار بدبینی و اضطراب می‌شوند و زمینه بروز بحران‌هایی از قبیل طلاق، اعتیاد، بزهکاری، فحشا، قتل و انواع دیگر جرم فراهم می‌شود (میری آشتیانی، ۱۳۸۲: ۱۲۸).

از جمله مهم‌ترین پیامدهای قابل محاسبه و آشکار خشونت قتل است. بنا بر گزارش سالانه سازمان جهانی بهداشت، مشکل جهانی در تأمین سلامت عمومی، خشونت و جراحات ناشی از آن است. هر ساله در حدود ۵/۸ میلیون نفر بر اثر جراحت یا دلایل ناشی از آن می‌میرند (WHO, 2008-2009). اگرچه خسارت‌های انسانی ناشی از درد و رنج حاصل از خشونت قابل محاسبه نیست، هزینه‌های خشونت آشکار از جمله هزینه بهداشت عمومی قابل ردیابی است. انواع خشونت — علیه خود، بین فردی، گروهی — از علل مرگ و میر جمعیت ۱۵ تا ۴۴ سال به شمار می‌آید که هزینه آن برای اقتصاد ملی کشورها با محاسبه هزینه‌های کلان حقوقی و

قضایی، از بین رفتن نیروی کار، روزهای کاری تلف شده و سرمایه‌های ازدست‌رفته بالغ بر میلیاردها دلار خواهد شد (مامسن، ۱۳۸۷: ۱۰۱). این در حالی است که توسعه و امنیت دو نیاز عمده انسانی و دو مطلوب همیشگی جوامع بشری است.

۲. رویکرد نظری

۱.۲. خشونت و توسعه

مقایسه‌های بین‌المللی نشان می‌دهد که بیشترین خشونت در جوامعی رخ می‌دهد که دارای شدیدترین نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی هستند. فقر و نابرابری به طور قطع با جرم به‌ویژه جرم خشونت‌بار همبسته‌اند (WHO, 2008-2009). چنانچه در جامعه‌ای با ساخت سیاسی و اجتماعی انسدادی و متصلب، نابرابری به وجود آید می‌تواند تولید «تضاد انتشاری» کند و تضاد انتشاری عامل انواع بزهکاری مانند جرح و قتل، آدم‌ربایی و غارت می‌شود. اگر استثمار و نابرابری در جامعه‌ای با ساخت سیاسی منعطف و باز وجود داشته باشد، در این صورت تضادهای توزیعی خصلت کانونی به خود می‌گیرند و شرایط را برای بروز اعتراض عمومی، اعتصاب، شورش و... مهیا می‌سازند. به همین دلیل، در جوامعی که نابرابری شدید است، می‌توان انتظار داشت که نظام حقوقی جامعه بکوشد با تشدید مجازات‌ها هزینه جرایم به‌ویژه جرایم علیه اموال را افزایش دهد. تشدید مجازات‌ها نیز منجر به افزایش خشونت در جامعه و ارتکاب جرایم خشن‌تر و سبعانه‌تر می‌شود (چلبی، ۱۳۸۵: ۱۰۲).

جرم، علاوه بر مصیبتی که بر جامعه بشری وارد می‌کند، یکی از موانع توسعه است. با افزایش اعمال خشونت‌آمیز از جمله سرقت مسلحانه، ضرب و جرح منتهی به قتل، و قتل سرمایه‌گذاران، شرکت‌ها و نمایندگی‌های بین‌المللی و حتی کسبه و تجار محلی به علت وحشت از خشونت از شروع یا ادامه فعالیت اقتصادی مأیوس می‌شوند. در صورتی که قادر به تأمین و تضمین امنیت شهرها نباشیم، نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم که در مسیر توسعه اقتصادی و اجتماعی حرکت کنیم (معظمی، ۱۳۷۹: ۴۹-۴۸). در بسیاری از جوامع، با افزایش جرایم و آسیب‌ها و انحرافات، روند عادی پیشرفت و توسعه تحت تأثیر قرار می‌گیرد و آزادی به خطر می‌افتد، یعنی کارآیی جامعه به حداقل کاهش می‌یابد. افزایش سطوح جرایم و مجرمیت که افزایش ترس را به همراه دارد، به گونه‌ای منفی، نه فقط استحکام دموکراسی و توسعه اجتماعی، بلکه ساختار

اجتماعی را نیز متأثر می‌سازد (شیخی، ۱۳۸۷: ۱۶۲).

به نظر می‌رسد که ریشه خشونت اجتماعی را باید در ساختار نظام موجود جست‌وجو کرد. نظریه‌های مربوط به نظم اجتماعی و نظریه‌های انتقادی، شیوه‌ها و راهبردهای متفاوتی را برای انتخاب یک رفتار به عنوان خشونت اجتماعی و تبیین آن برگزیده‌اند. در رویکرد نظم اجتماعی، ملاک تعریف سلامت و بیماری ارزش‌های فرهنگی و رفتارهایی است که نظام اجتماعی آنها را پذیرفته و هرگونه انحرافی از آنها را مستوجب مجازات می‌داند.

در حالی که نظریه‌های انتقادی ریشه‌های خشونت اجتماعی را در ساختار نظام موجود جست‌وجو می‌کنند و عواملی نظیر توزیع نابرابر فرصت‌های اقتصادی و اجتماعی، فقر فرهنگی و از خود بیگانگی انسان را زمینه‌ساز خشونت می‌دانند، نظریه‌های نظم اجتماعی شکل‌گیری ماهیت و علل خشونت اجتماعی را پیامد نظارت غیرکافی بر جامعه می‌دانند (احمدی، ۱۳۸۸: ۲۰).

در زمینه توسعه اجتماعی و سیاسی و اقتصادی، جهان شاهد وضعیت همپراز و متعادلی نیست و تفاوت‌های فاحشی در آن به چشم می‌خورد که ضمن اینکه از توسعه ناشی می‌شود، در آن تأثیر نیز می‌گذارد (شیخی، ۱۳۸۵: ۱۹۱). رشد سریع جمعیت، هزینه‌های سنگین و مداوم نظامی، ضعف‌های مزمن اقتصادی، فقر فزاینده و نابرابری، تضعیف ساختار خانواده، و فقدان برنامه‌های رفاه اجتماعی مناسب از جمله عواملی هستند که در روند منفی توسعه کشورها سهمین‌اند (همان). در نتیجه رکود اقتصادی و بیکاری و بی‌عدالتی اجتماعی، شورش علیه نابرابری، در بسیاری موارد، شکلی خشونت‌آمیز به خود می‌گیرد. رانده شدن جوانان به حاشیه جامعه و فقدان چشم‌انداز روشن برای آینده آنان را به سمت خشونت و اعمال غیرقانونی سوق می‌دهد.

این پدیده‌ها کم و بیش در همه کشورهای در حال توسعه به چشم می‌خورد و دستاوردهای دموکراتیک این کشورها را در مخاطره جدی قرار می‌دهد («موقعیت جنبش...»).

۲.۲. خشونت اجتماعی و قتل

مهم‌ترین مصداق خشونت، از منظر کلی، قتل عمد و در مرحله بعد درگیری و ضرب و جرح است (عبدی و کلهر، ۱۳۸۸: ۱۱۷-۱۱۶).

۳. وضعیت دیگر کشورها

اطلاعات مربوط به مرگ و میر، به‌ویژه موارد قتل و خودکشی، می‌تواند نشانه‌ی بارزی از میزان وقوع خشونت‌های مرگبار در جوامع و کشورهای مختلف باشد. این اطلاعات پژوهشگران را در شناسایی گستره و ماهیت خشونت‌های مرگبار در طول زمان یاری می‌دهد. همچنین می‌توان از این اطلاعات برای شناسایی گروه‌ها (برحسب سن، جنس، نژاد و طبقه اجتماعی) و جوامع در معرض خطر و مقایسه وضعیت خشونت در درون و بین کشورها استفاده کرد.

اطلاعات مربوط به قتل از منابع مختلف تهیه می‌شود، از جمله آمار رسمی، ادارات پلیس و سایر منابع رسمی و دولتی. در این تحقیق، از آمار منتشرشده مرکز آمار ایران و آمار سازمان جهانی بهداشت و همچنین آمار رسمی سایر کشورها استفاده شده است. فارغ از هرگونه داوری ارزشی، جنایت از طریق واکنش اجتماعی که برمی‌انگیزد، یعنی محکومیت برای ما آشکار می‌گردد.

در سال ۲۰۰۰، حدود ۱,۶۵۹,۰۰۰ نفر در سراسر جهان در نتیجه انواع خشونت — علیه خود، بین فردی و گروهی — جان باخته‌اند یعنی، به طور متوسط، ۸/۲ در هر صدهزار نفر در سال. اکثر این مرگ و میرها در کشورهای با درآمد کم و متوسط و کمتر از ۱۰ درصد مرگ‌های ناشی از خشونت در کشورهای با درآمد بالا به وقوع پیوسته است. در حدود نیمی از این ۱,۶۵۹,۰۰۰ مرگ ناشی از خشونت به علت خودکشی، حدود یک‌سوم قتل، و یک‌پنجم در جنگ بوده است (گزارش جهانی خشونت و سلامت، ۱۳۸۶: ۴۲۰). بنا بر گزارش «خشونت، جراحت و معلولیت ۲۰۰۹-۲۰۰۸» سازمان جهانی بهداشت، احتمال به قتل رسیدن بسیار کمتر از آن است که شخصی قربانی جرم و جنایت و خشونت عمده دیگر شود. حتی احتمال اینکه کسی به دست دیگری به قتل برسد از احتمال خودکشی او نیز کمتر است.

تخمین زده می‌شود که در سال ۲۰۰۲، جراحت ناشی از خشونت علت مرگ ۵/۲ میلیون نفر در سراسر جهان بوده است. همچنین، در سال ۲۰۰۳، خودکشی و خشونت بین فردی و گروهی از جمله بیست علت اصلی مرگ و در افراد ۱۵ تا ۴۴ سال (۱۴ درصد مردان و ۷ درصد زنان) علت اصلی مرگ در سراسر جهان بوده است (WHO, 2006).

در سال ۲۰۰۴، حدود ۱,۹۶۲,۸۱۶ نفر در سراسر جهان در نتیجه

در فرهنگ حقوقی، آدم‌کشی^۱ به معنی سلب حیات از دیگری به دست فردی از افراد بشر است. دیگرکشی غیرکیفری^۲ دیگرکشی‌های قابل عفو یعنی اتفاقی یا در دفاع از خود یا قابل توجیه را دربرمی‌گیرد. قتل جنایی شامل قتل عمد^۳ و قتل غیرعمد^۴ می‌شود (آقای، ۱۳۸۵: ۳۵).

حقوقدانان تعاریف گوناگونی از قتل ارائه داده‌اند، از جمله اینکه قتل عمد عبارت است از رفتار بدون مجوز قانونی و عمدی و آگاهانه یک انسان که منتهی به مرگ انسان دیگری شود (گلدوزیان، ۱۳۸۲: ۴۵).

گاه ضرب و جرح به طور ناخواسته منجر به قتل می‌شود که همچون قتل از جمله جرایم علیه اشخاص است. از منظر جامعه‌شناسی انحرافات، قتل یک مسئله اجتماعی تلقی می‌شود زیرا مسئله اجتماعی، براساس ارزش‌ها و هنجارهای حاکم بر جامعه، وضعیتی نامطلوب و مضر شناخته می‌شود که افراد جامعه را تهدید می‌کند (احمدی، ۱۳۸۸: ۱۹۳). به عقیده برخی جرم‌شناسان، اختلال در کروموزوم xyy، و اختلالات مغز و دستگاه عصبی و هورمون‌ها عامل پرخاشگری و جرایمی همچون قتل و ضرب و جرح و تجاوز به عنف است.

بین اختلالات روانی و جرم نیز رابطه وجود دارد. پژوهش‌های علمی نشان می‌دهد که ارتباط میان اختلال روانی و جرم در جرایم خشونت‌آمیز به‌ویژه قتل قطعیت نسبی بیشتری دارد (کلدر و دیگران، ۱۳۷۷: ۴۵۳).

برخی روان‌شناسان خشونت را واکنشی در برابر ناکامی و محرومیت می‌دانند (استور، ۱۳۷۲: ۳۸). برخی نیز معتقدند خشونت هم مانند هر رفتار دیگری یادگرفتنی است. شواهد نشان می‌دهد که میان قرار گرفتن در معرض سوءرفتار در زمان کودکی و ارتکاب جرایم شدید و خشونت‌آمیز ارتباط وجود دارد (سیگل، ۱۳۸۵: ۵۱۰). گسَن قتل‌ها و جراحات ناشی از حوادث رانندگی و بی‌احتیاطی هنگام کار را نتیجه توسعه قابل ملاحظه خشونت عمومی با تفکر و تأمل می‌داند (گسن، ۱۳۷۴: ۸۵).

1. homicide

2. criminal

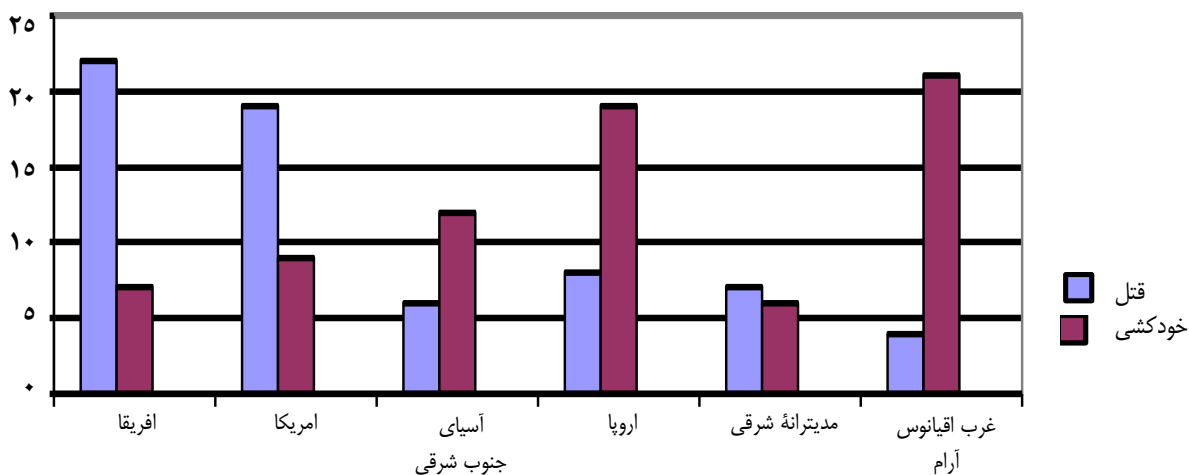
3. murder

4. manslaughter

صدهزار نفر بوده که بیش از ۲ برابر این میزان در کشورهای با درآمد بالا (۱۴/۴ در هر صدهزار نفر) است. همچنین تفاوت‌های منطقه‌ای چشمگیری در نرخ مرگ و میر ناشی از خشونت وجود دارد. این تفاوت‌ها در تمام مناطق فعالیت سازمان جهانی بهداشت به چشم می‌خورد (نمودار ۱). در مناطق افریقایی و امریکایی، نرخ قتل حدود ۳ برابر نرخ خودکشی است. از طرف دیگر، در مناطق اروپایی و آسیای جنوب شرقی، نرخ خودکشی ۲ برابر نرخ قتل است (۱۹/۱ در هر صدهزار در مقابل ۸/۴ در هر صدهزار در مناطق اروپایی، ۱۲ در هر صدهزار در مقابل ۵/۸ در هر صدهزار در منطقه آسیای جنوب شرقی). در منطقه جنوب اقیانوس آرام، نرخ خودکشی حدود ۶ برابر نرخ قتل است (۲۰/۸ در هر صدهزار در مقابل ۳/۴ در هر صدهزار). در هریک از این مناطق نیز تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای بین کشورها وجود دارد.

خشونت علیه خود، خشونت بین فردی یا گروهی جان باخته‌اند. در حدود ۱,۴۷۸,۵۷۸ نفر با خودکشی و ۴۱۷,۹۱۹ نفر به علت قتل و ۶۶,۳۱۹ نفر بر اثر جراحت در جنگ مرده‌اند (WHO, 2008-2009). گزارش سازمان جهانی بهداشت همچنین نشان می‌دهد نرخ خودکشی ۳ برابر نرخ قتل و نرخ قتل ۷ برابر نرخ مرگ و میر ناشی از جراحت جنگی است. بالاترین آمار قتل در جهان در سنین ۱۵ تا ۱۹ سال بوده (۲۳۸,۰۰۳ مورد) که نزدیک‌ترین آمار به آن مربوط به مردان ۳۰ تا ۴۴ سال بوده است (۱۷۹,۹۱۶ مورد). نرخ خودکشی در زنان و مردان با بالا رفتن سن افزایش یافته و در بین افراد بالای ۶۰ سال بیشترین میزان را داشته است (ibid.).

میزان مرگ‌های ناشی از اعمال خشونت‌آمیز با توجه به سطح درآمد کشورها متفاوت است. در سال ۲۰۰۰، نرخ مرگ و میر ناشی از خشونت در کشورهای با درآمد کم به طور متوسط ۳۲/۱ در هر



نمودار ۱. میزان قتل و خودکشی در مناطق مختلف جهان

منبع: WHO, 2000, 2002, 2008-2009

جمعیت نیز یکی از عوامل مؤثر در نرخ قتل در کشورهای جهان است (جدول ۱).

جدول ۱. نرخ قتل در برخی کشورهای جهان براساس جمعیت (۲۰۰۴)

کشور	درصد	جمعیت
ایالات متحده آمریکا	۱۸/۲۳۳	۲۹۳,۶۵۵,۴۰۵
ترکیه	۴/۲۷۷	۶۸,۸۹۳,۹۱۸
افغانستان	۱/۷۷۰	۲۸,۵۱۳,۶۷۷
بنگلادش	۸/۷۷۶	۱۴۱,۳۴۰,۴۷۶
هندوستان	۶۶/۱۲۳	۱,۰۶۵,۰۷۰,۶۰۷
پاکستان	۹/۸۸۴	۱۵۹,۱۹۶,۳۳۶
ایران	۴/۱۹۱	۶۷,۵۰۳,۲۰۵
عراق	۱/۵۷۵	۲۵,۳۷۴,۶۹۱
کویت	۱۴۰	۲,۲۵۷,۵۴۹

منبع: آمار آمریکا: US Census, Population Estimates, 2004
آمار دیگر کشورها: US Census, International Data Base, 2004

تهیه آمار نرخ قتل در شهرهای خارج از جهان پیشرفته بسیار مشکل است. براساس برخی گزارش‌ها، شهرهای بوگوتا (کلمبیا)،

جدول ۲. آمار جرایم در ایالات متحده آمریکا براساس جمعیت (۲۰۰۹-۲۰۰۰)

سال	جمعیت	شاخص کل جرایم	خشونت	قتل (عمد)	تجاوز به عنف	حمله مشدد	برگبری*
۲۰۰۰	۲۸۱,۴۲۱,۹۰۶	۴/۱۲۴/۸	۵۰۶/۶	۵/۵	۳۲/۰	۳۲۴/۰	۷۲۸/۸
۲۰۰۱	۲۸۵,۳۱۷,۵۵۹	۴/۱۶۲/۶	۵۰۴/۵	۵/۶	۳۱/۸	۳۱۸/۶	۷۴۱/۸
۲۰۰۲	۲۸۷,۹۷۳,۹۲۴	۴/۱۲۵/۰	۴۹۴/۴	۵/۶	۳۳/۱	۳۰۹/۵	۷۴۷/۰
۲۰۰۳	۲۹۰,۶۹۰,۷۸۸	۴/۰۶۷/۰	۴۷۵/۸	۵/۷	۳۲/۳	۲۹۵/۴	۷۴۱/۰
۲۰۰۴	۲۹۳,۶۵۶,۸۴۲	۳/۹۷۷/۳	۴۶۳/۰	۵/۵	۳۲/۴	۲۸۸/۶	۷۳۰/۳
۲۰۰۵	۲۹۶,۵۰۷,۰۶۱	۳/۹۰۰/۵	۴۶۹/۰	۵/۶	۳۱/۸	۲۹۰/۸	۷۲۶/۹
۲۰۰۶	۲۹۹,۳۹۸,۴۸۴	۳/۸۰۸/۱	۴۷۳/۶	۵/۷	۳۰/۹	۲۸۷/۵	۷۲۹/۴
۲۰۰۷	۳۰۱,۶۲۱,۱۵۷	۳/۷۳۰/۴	۴۶۶/۹	۵/۶	۳۰/۰	۲۸۳/۸	۷۲۲/۵
۲۰۰۸	۳۰۴,۳۷۴,۸۴۶	۳/۶۶۹/۰	۴۵۷/۵	۵/۴	۲۹/۷	۲۷۶/۷	۷۳۲/۱
۲۰۰۹	۳۰۷,۰۰۶,۵۵۰	۳/۴۶۵/۵	۴۲۹/۴	۵/۰	۲۸/۷	۲۶۲/۸	۷۱۶/۳

* burglary: ورود غیرقانونی به ساختمان برای ارتکاب جنایت یا سرقت
منبع: UCR Crime Statistic

کشورهای آمریکای لاتین، به‌ویژه کشورهای در حال توسعه، بالاتر و مثلاً در کشور کلمبیا ۶۳ درصد در صد هزار نفر است.

در سال ۲۰۰۱، در آمریکا، ۳/۳ درصد زن به قتل رسیده‌اند، در برابر ۴/۲ درصد قتل زن در آسیا و اقیانوسیه. در همین سال، ۴/۹ درصد سفیدپوست به قتل رسیده‌اند. به طور کلی، نرخ قتل در سال

متخصصان مهم‌ترین دلیل افزایش خشونت اجتماعی و قتل در آمریکا را از دهه ۱۹۷۰ «جنگ بر سر مواد مخدر» می‌دانند. خطر قتل هنگامی افزایش می‌یابد که شخص سوداگر مواد مخدر باشد. امروزه بیشترین موارد قتل در آمریکا در نزاع بر سر پول و مالکیت تحت تأثیر الکل و مواد مخدر صورت می‌گیرد. نرخ قتل در

جدول ۳. آمار قتل در کشور کلمبیا (۲۰۰۳-۲۰۰۷)

سال	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷
گزارش پلیس بین‌الملل	۵۶/۳	۴۷/۶	۴۲/۰	۴۰/۰	۳۸/۸
گزارش سازمان جهانی بهداشت	۶۱/۴	۵۲/۸	۴۳/۸	۴۰/۲	۴۰/۱

منبع: UNODCP Homicide Statistics

درگیری‌های مسلحانه مداوم و بلایای زیست‌محیطی چنان زیرساخت‌های نظام اداری این کشورها را متزلزل ساخته است که دستیابی به آمار خشونت و قتل و ضرب و جرح ناممکن است. به علاوه، وجود مناطق عمده تولید مواد مخدر در پاکستان و افغانستان، این کشورها را به محل فعالیت باندهای سازمان‌یافته قاچاق مواد مخدر و انسان تبدیل کرده است. طبق گزارش سازمان جهانی بهداشت، شهر کراچی پاکستان از جمله خطرناک‌ترین شهرها از نظر نرخ قتل، غیر از قتل‌های ناشی از حملات تروریستی، است. عمدتاً زنان و کودکان آماج این خشونت‌ها هستند. براساس آمارهای کمیسیون حقوق بشر پاکستان، در سال ۲۰۰۲، تعداد قتل‌های ناموسی ۲۹۰ مورد بوده است. طی سال‌های ۲۰۰۳ و ۲۰۰۴، ۱۲۶۱ زن در پاکستان قربانی قتل‌های ناموسی شده‌اند که ۶۳۸ مورد در ایالت سند، ۴۶۳ مورد در پنجاب، ۱۲۰ مورد در شمال غربی پاکستان، و ۴۰ مورد در ایالت بلوچستان به وقوع پیوسته است (Tripathi and Yadav, 2004: 69-70).

سازمان جهانی بهداشت نرخ قتل را در افغانستان ۳/۴ صد هزار نفر گزارش کرده است. اخبار خشونت علیه زنان در افغانستان بیش از سایر خشونت‌های اجتماعی در جهان انعکاس می‌یابد، از جمله:

- گزارش کمیساریای پناهندگان سازمان ملل متحد (UNHCR) حاکی از افزایش ۴۰ درصدی خشونت با زنان از آوریل ۲۰۰۷ تا ۲۰۰۸ است.
- ۸۰ درصد زنان افغان به گونه‌ای مورد خشونت خانوادگی قرار گرفته‌اند.
- نهادهای حقوق بشری افزایش خودکشی یا قتل زنان (قتل ناموسی) را گزارش کرده‌اند.
- ۵۰ درصد حوادث در مدارس بر علیه دختران دانش‌آموز است.

۲۰۰۱ در امریکا ۵/۶ درصد بوده است. از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۳، میزان جرایم خشونت‌بار در امریکا ۳/۲ درصد کاهش داشته است (The World Almanac Books, 2005: 161).

در سال ۲۰۰۱، ۶/۶ در صد هزار نفر مرد و ۱/۳ در صد هزار زن با اسلحه کشته شده‌اند (NIC, Health Grades).

در سال ۲۰۰۴، قتل عمد در گروه سنی ۱۸ تا ۲۴ سال حداقل دو برابر گروه سنی ۱۴ تا ۱۷ یا ۲۵ تا ۳۴ سال بوده است.

در همین سال، ۸۰/۴ درصد جمعیت امریکا سفیدپوست و ۱۲/۸ درصد سیاه‌پوست بوده‌اند. امریکایی‌های افریقایی تبار خطرناک‌ترین اعمال مجرمانه مرتبط با جرایم خشونت‌بار و تهاجم را مرتکب می‌شوند (US Census Bureau).

در سال ۲۰۰۶، قتل دومین دلیل عمده مرگ اطفال بوده است. قتل با اسلحه دلیل عمده مرگ گروه سنی ۱۰ تا ۲۴ سال و ۴۵ تا ۶۴ سال، سومین دلیل عمده مرگ گروه سنی ۲۵ تا ۳۴ سال، و چهارمین دلیل عمده مرگ گروه سنی ۵ تا ۹ سال و ۳۵ تا ۴۴ سال بوده است. به علاوه، قتل با هر وسیله دهمین دلیل عمده مرگ افراد در امریکا بوده است (ibid.).

آمار نشان می‌دهد که از سال ۲۰۰۶ تاکنون، نرخ جرایم خشونت‌بار هر سال کاهش یافته است. این کاهش در تجاوز به عنف و حمله مشدد نیز مشاهده می‌شود. به طور کلی، شاخص کل جرایم از سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۰۹، با وجود ۹ درصد افزایش جمعیت، کاهش نشان می‌دهد (جدول ۲).

امریکای لاتین منطقه‌ای است با بالاترین سطح جرم که توزیع درآمد در آن نابرابرانه‌تر از مناطقی دیگر و رشد اقتصادی کاملاً ناپایدار است. این منطقه از گذشته محل فعالیت گروه‌های چریکی و مسلح بوده که در دهه‌های گذشته عمدتاً ماهیت استقلال‌طلبانه و آزادی‌خواهانه داشته اما اکنون بیشتر در جهت حمایت از باندهای بزرگ بین‌المللی قاچاق مواد مخدر است. در این منطقه، کودکان و نوجوانان بزرگ‌ترین ضربه را از مشکلات اقتصادی ناشی از بحران بدهی دولت‌ها متحمل شده‌اند. قتل و خشونت در کلمبیا، ونزوئلا و برزیل از بزرگ‌ترین معضلات زندگی روزمره مردم است (جدول ۳).

۲.۳. کشورهای منطقه

بی‌ثباتی امنیتی و سیاسی حاکم بر کشورهای منطقه، به‌ویژه افغانستان و عراق و پاکستان، و فعالیت‌های تروریستی طالبان و

۴. وضعیت در ایران

۱.۴. سیاست‌ها و برنامه‌ها

ماده ۹۷ قانون برنامه سوم و چهارم توسعه کشور مقرر می‌دارد که دولت مکلف است به منظور پیشگیری و کاهش آسیب‌های اجتماعی نسبت به تهیه طرح جامع کنترل و کاهش آسیب‌های اجتماعی، با تأکید بر پیشگیری از اعتیاد به مواد مخدر، بر پایه محوره‌های ذیل اقدام نماید:

- ارتقای سطح بهداشت روان، گسترش خدمات مددکاری اجتماعی، تقویت بنیان خانواده و توانمندسازی افراد و گروه‌های در معرض آسیب؛
- بسط و گسترش روحیه نشاط، شادابی، امیدواری، اعتماد اجتماعی، تعمیق ارزش‌های دینی و هنجارهای اجتماعی؛
- شناسایی نقاط آسیب‌خیز و بحران‌زای اجتماعی در بافت شهری و حاشیه شهرها و تمرکز بخشیدن به حمایت‌های اجتماعی، خدمات بهداشتی-درمانی، مددکاری، مشاوره اجتماعی و حقوقی، و برنامه‌های اشتغال حمایت‌شده، با اعمال راهبرد همکاری بین بخشی و سامانه مدیریت آسیب‌های اجتماعی در مناطق یادشده؛
- پیشگیری اولیه از بروز آسیب‌های اجتماعی از طریق اصلاح برنامه‌های درسی دوره آموزش عمومی و پیش‌بینی آموزش‌های اجتماعی و ارتقای مهارت‌های زندگی؛
- خدمات‌رسانی به موقع به افراد در معرض آسیب‌های اجتماعی با مشارکت سازمان‌های غیردولتی؛
- بازتوانی آسیب‌دیدگان اجتماعی و فراهم نمودن زمینه بازگشت آنها به جامعه؛
- تهیه طرح ملی مبارزه با مواد مخدر و روانگردان براساس محوره‌های ذیل:

۱. پیشگیری از اعتیاد به مواد مخدر و قاچاق آن با استفاده از تمامی امکانات و توانمندی‌های ملی؛
۲. در اولویت قرار دادن استراتژی کاهش آسیب و خطر، کاردرمانی، آموزش مهارت‌های زندگی سالم، روان‌درمانی، درمان اجتماع‌مدار معتادان و بهره‌گیری از سایر یافته‌های علمی و تجارب جهانی در اقدام‌ها و برنامه‌ریزی‌های عملی؛

- در نوامبر ۲۰۰۸، در قندهار، ۱۲ دانش‌آموز دختر و ۴ معلم با اسید مورد حمله قرار گرفتند و به شدت مجروح شدند.^۱

در عراق، قتل ناموسی رایج است. بر طبق آمار، سالانه حدود ۱۰۰ زن در کردستان عراق به دست اعضای خانواده خود به قتل می‌رسند که در بسیاری از موارد، علت قتل زن یا دختر مواردی مانند فرار از خانه یا داشتن دوست پسر عنوان می‌شود.

در قوانین جزایی کشورهایی مانند لبنان و فلسطین و سوریه، قتل به منظور حفظ ناموس به رسمیت شناخته شده است. در کشورهای اروپایی نیز مواردی از ارتکاب قتل‌های ناموسی عمدتاً در میان پناهندگان و مهاجران گزارش شده است.

در ترکیه نیز آمار بالایی از قتل‌های ناموسی گزارش می‌شود. سالانه حدود ۲۰ تا ۳۰ قتل ناموسی در محاکم ترکیه مطرح و رسیدگی می‌شود. آمار غیررسمی حکایت از وقوع سالانه بیش از ۷۰ قتل ناموسی در ترکیه دارد (Hunter, 2006: 31). به منظور پیوستن به اتحادیه اروپا، ترکیه اصلاحاتی در قوانین خود ایجاد کرده که از جمله آنها مجازات قتل ناموسی است که از سال ۲۰۰۴ هیچ تفاوتی با انواع دیگر قتل ندارد. این کشور، با ایجاد اصلاحات عمیق در زیرساخت‌های اجتماعی و اقتصادی خود، در تلاش برای دستیابی به صلح و امنیت و توسعه پایدار است.

کشورهای تازه استقلال‌یافته شمال ایران درگیر فقر، خشونت، فساد اداری، و سازمان‌های جنایتکار قاچاق مواد مخدر، زنان، مواد هسته‌ای و اسلحه هستند و هنوز موفق به برقراری ثبات و امنیت کامل نشده‌اند (جدول ۴).

جدول ۴. آمار قتل در کشورهای منطقه (۲۰۰۸-۲۰۰۳)

(در ۱۰۰ هزار نفر)

کشور	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸
ترکیه	۳/۹	۴/۰	۴/۳	۴/۲	۳/۲	۲/۹
پاکستان	۵/۹	۶/۰	۵/۸	۵/۹	۶/۱	۶/۸
ازبکستان	۱/۷	۱/۶	۱/۴	۱/۴	۱/۴	۱/۲
تاجیکستان	۲/۶	۲/۲	۲/۴	۴/۳	۲/۳	-
ترکمنستان	۸/۸	۷/۸	۳/۳	۲/۹	-	-

منبع: گزارش سازمان جهانی بهداشت و پلیس بین‌الملل

1. <http://www.unhcr.org/refworld/docd>

آمار مندرج در جدول ۵ حاکی از رشد ۵۳۰ درصدی قتل عمد، رشد ۶۴۰ درصدی قتل غیرعمد و رشد ۲۲۰ درصدی ضرب و جرح در سال ۱۳۸۰ نسبت به سال ۱۳۶۵ است. رشد متولدین ۱۳۶۰-۱۳۶۱ عامل قابل توجهی در رشد کمی بزهکاری در این سال بوده است.

فراوانی نسبی پرونده‌های تشکیل شده درباره قتل عمد طی سال‌های ۱۳۸۶-۱۳۸۰ تقریباً ثابت بوده است. اما در طی سال‌های ۱۳۸۸-۱۳۸۷ با رشد حدود سه برابری قتل عمد و ضرب و جرح مواجه هستیم. اوج خشونت‌های اجتماعی در سال ۱۳۸۷ گزارش شده است.

جدول ۵. توزیع پرونده‌های تشکیل شده در حوزه استحضالی

نیروی انتظامی

سال	قتل عمد	قتل غیرعمد	مرگ‌های اتفاقی	ضرب و جرح
۱۳۶۵	۴۸۹	۱۷۱	۴۷۰۹	۳۶۶۸۹
۱۳۸۰	۱۵۷۷	۱۳۸۹	۱۰۹۹۹	۸۰۰۳۶
۱۳۸۴	۱۸۷	۹۲	۱۰۱۳	۵۴۲۹
۱۳۸۵	۱۷۲	۱۳۶	۱۰۱۳	۳۷۷۹
۱۳۸۶	۱۴۶	۷۵۳	۱۰۱۳	۶۶۳۶۳
۱۳۸۷	۲۲۱۵	۴۷۸	۱۱۹۷۶	۶۶۳۳۳
۱۳۸۸	۱۹۶۳	۵۱۷	۱۲۲۳۱	۶۱۹۷۴

منبع: نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران

نکته: در نظام قضایی و انتظامی ایران، خشونت شامل قتل عمد، ضرب و جرح و تخریب هم می‌شود.

۳. جلوگیری از تغییر الگوی مصرف مواد مخدر به داروهای شیمیایی و صنعتی؛

۴. جلوگیری از هرگونه تظهير عوايد ناشی از فعالیت‌های مجرمانه در حوزه مواد مخدر و روانگردان‌ها؛

۵. به کار گرفتن تمام امکانات و توانمندی‌های ملی برای مقابله با حمل و نقل و ترانزیت مواد مخدر و همچنین عرضه و فروش آن در سراسر کشور؛

۶. تقویت نقش مردم و سازمان‌های غیردولتی در امر پیشگیری و مبارزه با اعتیاد.

۲.۴. شاخص‌ها

قتل، خودکشی، تخریب، ضرب و جرح، اعتیاد، فرار و فحشا، شورش، اوباشیگری، خشونت علیه زنان و کودکان، هتک حرمت و توهین و ناسزا از مهم‌ترین شاخص‌های خشونت اجتماعی‌اند. در این گزارش، قتل به عنوان مصداق بارز خشونت اجتماعی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

روند قتل در ایران

به دست آوردن اطلاعات جامع از نرخ جرایم خشونت‌بار، قتل، و ضرب و جرح مستلزم بررسی آمارهای کلان کشوری است. آمار مورد استناد برای بررسی روند قتل در این بخش، آمار رسمی اعلام شده از سوی نهادهای دولتی (نیروی انتظامی و قوه قضاییه) است که در سالنامه آماری کشور درج شده است.

جدول ۶. پرونده‌های مختومه مرتبط با خشونت* در دادگاه‌های عمومی برحسب موضوع

موضوع	۱۳۷۵	۱۳۸۰	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸
جمع	۳۰۱۶۴۹	۵۰۹۴۴۵	۱۶۶۰۹۲	۲۰۱۹۱۶	۵۲۱۲۰۷	۴۳۵۳۷۷	۲۵۶۷۷۶
قتل عمد	۳۴۳۱	۴۶۳۶	۳۳۵۶	۳۲۳۳	۳۴۸۹	۹۲۰۲	۲۲۸۲
قتل غیرعمد	۱۵۴۲۱	۲۱۶۶۵	۱۵۴۰۰	۱۸۶۴۰	۱۸۳۰۹۶	۱۶۸۹۰	۱۷۱۱۳
ایراد ضرب و جرح	۲۳۶۸۴۵	۴۰۴۹۳۷	۱۱۶۵۶۸	۱۴۳۹۸۲	۳۰۰۰۵۰	۳۰۱۱۰۸	۲۳۳۹۸۳
تخریب	۴۵۹۵۲	۷۸۲۰۷	۳۰۷۶۸	۳۶۰۶۱	۳۴۵۷۲	۱۰۸۱۷۷	۳۳۹۸

* شامل پرونده‌های قتل عمد، قتل غیرعمد، ضرب و جرح و تخریب

منبع: مرکز آمار ایران، سالنامه‌های آماری کشور

در دادگاه‌های عمومی در سال ۱۳۸۰ (۵۰۹۴۴۵ پرونده) تعداد ۴۰۴۹۳۷ پرونده (۷۹ درصد) مربوط به موارد ضرب و جرح بوده است. همچنین ۷۸۲۰۷ پرونده (۱۵ درصد) به موارد تخریب و

جدول ۶ نشان می‌دهد که تعداد پرونده‌های قتل عمد مختومه در دادگاه‌های عمومی در اکثر این سال‌ها نسبت به سال قبل رشد داشته است. از مجموع آمار پرونده‌های مختومه مرتبط با خشونت

است. در سال ۱۳۸۲، تعداد پرونده‌های قتل در استان تهران ۶۰ پرونده بوده که این آمار در سال ۱۳۸۶ به ۲۳۰ پرونده یعنی ۴ برابر رسیده است.

آمار مقتولان سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۸۶ نشان می‌دهد که حدود ۴۷/۷ درصد زنان به دست شوهر خود و ۲۲/۲ درصد شوهران به دست همسر خود به قتل رسیده‌اند و ۳۹ درصد از زنان با همدستی معشوق خود شوهرشان را به قتل رسانده‌اند. در مجموع، ۵۰ درصد قتل‌های خانوادگی مربوط به همسرکشی است که اگر قتل همسر صیغه‌ای را نیز به آن اضافه کنیم، این میزان به ۵۳ درصد می‌رسد (انجمن جامعه‌شناسی ایران، ۱۳۸۶).

۳.۴. وضعیت گروه‌های خاص

وضعیت کودکان و نوجوانان

طبق آمار رسمی ورودی به زندان‌های ایران طی سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۸۱، از مجموع ۳۰۶۱۱۶۹ نفر که وارد زندان‌ها شده‌اند، ۳/۵۳ درصد در گروه سنی ۱۸-۱۲ سال بوده‌اند. پژوهش‌های مختلف نشان می‌دهد:

- بیشترین فراوانی بزهکاری نوجوانان در گروه سنی ۱۷-۱۵ سال است (معظمی، ۱۳۸۸: ۹۸)؛
- بیشترین فراوانی بزهکاری در نوجوانان دارای تحصیلات ابتدایی است که این امر نشان‌دهنده نقش شکست و ناکامی تحصیلی در درگیری نوجوانان در کارهای خلاف است (همان: ۲۴۴)؛
- اطفال به ندرت مرتکب جرم، اما اغلب قربانی قتل می‌شوند. در صورتی که آمار قتل براساس سن و سال قربانی مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد، افراد بین ۱۵ تا ۱۷ سال بیش از سایرین در معرض خطر قتل قرار دارند (پینه‌رو، ۱۳۸۷: ۵۳). آمار بزه‌دیدگان قتل در سال ۱۳۸۵ نشان می‌دهد که ۶/۵ درصد مقتولان ۱۰ سال، ۵/۳ درصد ۱۰ تا ۱۶ سال، و ۱۰/۷ درصد ۱۶ تا ۲۴ سال سن داشته‌اند؛
- نسبت ارتکاب جرایم خشونت‌آمیز در پسران و دختران ۹ به ۱ است.

در اینکه کودکان نیز می‌توانند مرتکب جرایم خشونت‌بار شوند

۴۶۳۶ پرونده (۰/۰۹ درصد) به موارد قتل عمد اختصاص داشته است. در سال‌های ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵، تعداد پرونده‌های ضرب و جرح کاهش قابل توجهی یافته است. همچنین از مجموع آمار خشونت در سال ۱۳۸۴ (۱۶۶۰۹۲ پرونده مختومه مرتبط با خشونت در دادگاه‌ها) ایراد ضرب و جرح با ۱۱۶۵۶۸ مورد (۷۰/۲ درصد) نسبت به سال ۱۳۸۰ کاهش داشته است. در طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۶، نرخ قتل عمد تقریباً ثابت بوده است اما در سال ۱۳۸۷ افزایش یافته و به ۹۲۰۲ مورد رسیده که ۵۰ درصد نسبت به سال ۱۳۸۰ رشد داشته است. در همین سال، پرونده‌های مربوط به موارد ضرب و جرح نیز ۳۸ درصد رشد داشته است.

یکی از شاخص‌های مهم وجود خشونت در جامعه نزاع دسته‌جمعی است که علت آن را باید در تندخویی و ناتوانی افراد جامعه در خودکنترلی، و اختلافات قومی و قبیله‌ای یا عقیدتی و اخلاقی در بین جمعی از افراد جست‌وجو کرد که در آن، علاوه بر ضرب و جرح و تخریب، ممکن است یک یا چند نفر به قتل برسند. یافته‌های مطالعه‌ای شهر تهران در نیمه دوم سال ۱۳۸۲ و نیمه اول سال ۱۳۸۳ در پزشکی قانونی در مورد کلیه مقتولان (۳۴۷ نفر) نشان می‌دهد که ۷۹/۵ درصد از مقتولان مذکر بوده‌اند، و میانگین سنی آنان $15/8 \pm 32/6$ سال بوده است. در میان علت‌های وقوع قتل، نزاع (۳۵/۲ درصد) بیشترین و لواط (۱/۷ درصد) کمترین میزان را داشته‌اند. بیش از نیمی از قتل‌ها (۵۳/۹ درصد) با اسلحه سرد (چاقو) اتفاق افتاده است. بیش از نیمی از مقتولان وضعیت اقتصادی خوب و ۱۹/۳ درصد آنان وضعیت اقتصادی بد داشتند، ۱۱/۵ درصد بیکار بودند و بیش از نصف آنها به سیگار، الکل و مواد مخدر اعتیاد داشتند. تقریباً یک‌چهارم مقتولان بی‌سواد، ۶۶/۸ درصد باسواد و فقط ۳/۷ درصد دارای تحصیلات عالیه بودند. قتل با انگیزه خانوادگی در زنان (۴۰/۸ درصد) بیشتر از مردان بود. یافته‌های این مطالعه حاکی از آن است که تعداد قربانیان قتل در تهران نسبت به سال‌های گذشته سیر صعودی داشته است که احتمالاً ناشی از فشارهای روزافزون اقتصادی، اجتماعی، روانی و بیکاری حاکم بر جامعه کنونی ماست (افتخاری و دیگران، ۱۳۸۴: ۱۸۴-۱۷۹).

در ۹ ماهه نخست سال ۱۳۸۷، ۶۴ مورد فرزندکشی در ایران اتفاق افتاده و ۸۵ زن به دست شوهر خود به قتل رسیده‌اند. آمار قتل به‌ویژه قتل‌های خانوادگی از سال ۱۳۸۳ روند رو به رشد داشته

خسونت گروه‌ها و باندهای خشن جوانان در خیابان‌ها سهم عمده‌ای در مرگ‌های زودرس و آسیب‌ها و ناتوانی‌ها دارد. خسونت جوانان موجب افزایش چشمگیر هزینه‌های بهداشت و خدمات رفاهی می‌شود، تولید را کاهش می‌دهد، از سرمایه اجتماعی می‌کاهد، در برخی از خدمات ضروری اختلال ایجاد می‌کند، و موجب ازهم‌پاشیدگی جوامع می‌گردد (گزارش جهانی خسونت و سلامت: ۶۷). افزایش اعمال خسونت‌آمیز نوجوانان، افزایش جرایم مربوط به مواد مخدر، و رشد بزهکاری دختران در سال‌های اخیر از جمله معضلات کشور ماست.

طبق آمار رسمی، در جرایم علیه اشخاص که لزوماً قتل نیست بلکه ضرب و جرح هم می‌تواند باشد، بالاترین آمار زندانیان ورودی مربوط به گروه سنی ۱۹-۲۵ سال است (جدول ۷). تشکیل باندهای شرور و شدت گرفتن اوباشیگری در سال‌های اخیر نظم و امنیت را در بسیاری از محله‌های شهرهای بزرگ مختل کرده است. این افراد با باج‌گیری از کسبه محل، ایجاد مزاحمت، و دعوا و نزاع با قمه و چاقو آرامش محله را به هم می‌ریزند به نحوی که در مدتی کوتاه به محله‌ای جرم‌خیز تبدیل می‌شود.

تردیدی نیست. آنان به راحتی جذب باندهای تبهکاری می‌شوند و با آنان همکاری می‌کنند یا مرتکب جرایم دیگری از قبیل اخاذی، زورگیری، تهدید، دزدی، و ضرب و جرح می‌شوند. علاوه بر معضل افزایش کودکان خیابانی، با مسئله فرار دختران و پایین آمدن سن فحشای دختران نیز مواجهیم. از شایع‌ترین انواع بزهکاری در نوجوانان مصرف داروهای مخدر با انگیزه خوش‌گذرانی، و خرابکاری به معنای تخریب اموال عمومی و خصوصی است که معمولاً بعد از مسابقات فوتبال و اجتماعی نظیر آن اتفاق می‌افتد (احمدی، ۱۳۸۸: ۱۵۵). این قبیل رفتارها مختل‌کننده نظم جامعه و سرآغاز خسونت‌های اجتماعی است که در فرانسه تحت عنوان رفتارهای دردرساز مطرح می‌شود و مسئولان، با فراهم ساختن امکانات رفاهی و توسعه عدالت آموزشی با هدف پیشگیری از بزهکاری کودکان، فرصت‌های آموزشی و پرورشی برای کودکان مهاجر و ساکن در مناطق فقیرنشین فراهم آورده‌اند.

وضعیت جوانان

خسونت جوانان یکی از آشکارترین انواع خسونت در جامعه است.

جدول ۷. آمار زندانیان ورودی جوان ۱۹-۲۵ سال (۱۳۸۱-۱۳۸۵)

۱۳۸۵		۱۳۸۴		۱۳۸۳		۱۳۸۲		۱۳۸۱	
زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد
۳۹۲	۳۵۹۵۱	۴۱۷	۳۷۶۹۳	۴۰۶	۳۴۰۵۲	۴۰۰	۳۲۷۶	۴۴۲	۳۲۳۶۳

منبع: شمس، ۱۳۸۶

سطح جرم خسونت‌بار در جامعه دارد. از یک سو، فقر و بیکاری و فقدان فرصت‌های شغلی قانونی، از طریق ایجاد حس محرومیت و عدم اعتماد به نفس و ناامیدی از آینده و بی‌ثباتی خانوادگی، منجر به افزایش خسونت می‌شود. از سوی دیگر، نابرابری و استثمار و استبداد و تبعیض نژادی و جنسی، احساس حقارت و بی‌عدالتی و نفرت و در نتیجه پرخاشگری را تشدید می‌کند. عدم برخورداری عموم مردم از امکانات و موقعیت‌های یکسان بر بسیاری از افراد به‌ویژه در طبقات پایین جامعه فشار وارد می‌کند و افرادی که فرصت‌های کمتری برای دستیابی به اهداف خود دارند، دچار احساس خشم، نفرت و پرخاشگری ناشی از ناتوانی در دستیابی به اهداف اجتماعی می‌شوند که آنان را به استفاده از شیوه‌های غیرقانونی و انحراف رفتاری متمایل می‌سازد (سوتیل و دیگران، ۱۳۸۳: ۱۷۸).

به گفته یک مقام پلیس آگاهی، بالاترین نرخ قتل مربوط به گروه سنی ۱۵ تا ۲۵ سال است (ایسنا، ۱۳۸۸)^۱. این گونه قتل‌ها معمولاً در جریان نزاع یا درگیری خانوادگی رخ می‌دهد. ایراد ضرب و جرح عمدی و غیرعمدی در بین جوانان زیاد است. بسیاری از عوامل اجتماعی می‌توانند شرایطی ایجاد کنند که به افزایش خسونت در جوانان بینجامد. دگرگونی‌های سریع جمعیتی در جوامع جوان مانند ایران، مهاجرت، شهری شدن، تحولات سریع اجتماعی و اقتصادی و سیاسی، فقر، نابرابری کلی اقتصادی در جامعه، یعنی وجود شکاف بین ثروتمندترین و فقیرترین شهروند، تأثیری کلی بر

1. <http://khabarnegar.blogfa.com/post-7716.aspx>

وضعیت زنان

به استناد آمار رسمی، بین جرایم زنان و مردان، چه از نظر کمی و چه از نظر کیفی، تفاوت‌هایی وجود دارد. به رغم افزایش تعداد زنانی که طی سال‌های اخیر به اتهام ارتکاب جرم‌های مختلف بازداشت شده‌اند، هنوز هم جمعیت کیفری زنان فقط ۴/۴۸ درصد زندانیان را تشکیل می‌دهد.

منابع گوناگون آماری نشان می‌دهد که نوجوانان پسر بسیار بیشتر از دختران نوجوان مرتکب رفتارهای بزهکارانه می‌شوند. از لحاظ مشارکت دو جنس در ارتکاب جرم خشونت‌بار (قتل) نسبت زنان به مردان ۱ به ۹ است.

در جدول ۸، درصد زندانیان جرایم علیه اشخاص و اموال در دوره زمانی ۱۳۸۵-۱۳۸۱ برحسب جنس مقایسه شده است. بیشترین ورودی در این سال‌ها به ترتیب متعلق به گروه‌های سنی ۱۹-۲۵ و ۲۶-۳۳ سال است.

جدول ۸. درصد زندانیان جرایم علیه اشخاص و اموال برحسب جنس

(۱۳۸۵-۱۳۸۱)

سال	زن (درصد)	مرد (درصد)
۱۳۸۱	۲/۵۱	۹۷/۴۹
۱۳۸۲	۲/۲۲	۹۷/۷۸
۱۳۸۳	۲/۱۱	۹۷/۸۹
۱۳۸۴	۲/۶۷	۹۷/۳۳
۱۳۸۵	۲/۰۸	۹۷/۹۲

منبع: شمس، ۱۳۸۶

با رشد جمعیت و افزایش بحران‌های اجتماعی و اقتصادی، میزان بزهکاری زنان نیز افزایش یافته است. بزهکاری در زنان نسبت به مردان در طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۸ مرتب افزایش داشته است که عمدتاً مربوط به جرایم مواد مخدر و اعمال منافعی عفت است.

از میزان و گستردگی جرایم پنهان که لاینحل می‌مانند یا به پلیس گزارش داده نمی‌شوند چیزی نمی‌دانیم. برخی معتقدند میزان جرایم زنان کمتر از مردان نیست اما جرایم زنان پنهان است. پولاک معتقد است زنان دست به ارتکاب جرایم بسیار زیادی به‌ویژه بهره‌کشی از کودک و کشتن شوهر می‌زنند که پنهان می‌ماند (ابوت و والاس، ۱۳۸۱: ۲۱۷).

۴.۴. الگوهای قتل

قتل‌های خانوادگی

قتل‌های خانوادگی که یکی از الگوهای قتل در ایران است دامنگیر مادران، پدران، دختران، پسران و دیگر اعضای خانواده شده است. قتل خانوادگی از ترکیب خانواده، که باید امن‌ترین مکان برای اعضای آن باشد، با قتل که شدیدترین نوع خشونت است به وجود آمده است. افزایش قتل‌های خانوادگی در سال‌های اخیر ضرورت توجه به این پدیده را بیش از پیش می‌نماید. همسرکشی از جمله جرایمی است که ازدیاد آن در دهه گذشته حساسیت خاصی را در جامعه برانگیخته است. تحقیقات نشان می‌دهد که نگرش مردسالارانه و سلطه‌گری و خشونت مردان، ضعف مبانی اخلاقی و انسانی در خانواده، و اعتیاد به مواد مخدر و الکل از مهم‌ترین عوامل خشونت و همسرکشی است.

از لحاظ مشارکت دو جنس در ارتکاب جرم، نسبت مردان به زنان ۳ تا ۵ برابر بیشتر است. در نزاع مرگبار بین همسران، نوعاً زن جان خود را از دست می‌دهد. تحقیقی در مورد همسرکشی در ۱۵ استان کشور نشان داده که همسر به‌قتل‌رسیده ۸۵ درصد زنان و ۷۶ درصد مردان بی‌سواد یا دارای تحصیلات ابتدایی بوده‌اند. میانگین سن شوهران در هنگام فوت ۴۰ سال و میانگین سن زنان ۳۰ سال بوده است (آشوری و معظمی، ۱۳۸۰: ۲۵، ۴۶).

تحقیقی دیگر که در سال ۱۳۸۷ در مورد همسرکشی در تهران انجام گرفت نشان داد که همسرکشی ویژه یک طبقه اجتماعی خاص نیست، اما مرتکبین کم‌سواد و در پایین‌ترین سطح اقتصادی بوده‌اند (موسوی، ۱۳۸۷: ۱۵۸). وجود ناسازگاری و اختلاف اخلاقی و مالی در بین اعضای خانواده، بیکاری، فساد اخلاقی، و انحراف به‌ویژه اعتیاد زمینه‌ساز قتل‌های زیادی شده است.

به گفته یک مقام آگاه، در هفت ماه نخست سال ۱۳۸۹، آمار وقوع قتل نسبت به مدت مشابه سال پیش از آن ۱۸ درصد کاهش داشته است. در ۳۰ درصد قتل‌های کشور، نسبت نزدیک فامیلی میان متهم و قربانی وجود داشته است و ۶۵ درصد قتل‌های خانوادگی بدون برنامه‌ریزی قبلی به وقوع پیوسته، یعنی متهم قصد کشتن مقتول را نداشته است و توسل به خشونت و عدم خویشنداری به وقوع حادثه مرگبار انجامیده که این مسئله بحرانی بودن فضای خانواده‌ها را نشان می‌دهد. قتل زن به دست شوهر بیشترین موارد قتل را تشکیل داده است (۱۸ درصد) و ۳۶ درصد

طی سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۰، بیش از ۷۰۰۰ قتل در ایران به وقوع پیوسته که از این تعداد، حدود ۴۰۰ مورد قتل ناموسی بوده است. در مجموع، ۳۰ درصد قتل‌ها ناموسی است. بنا به اظهارات رئیس دادگستری خوزستان، در سال ۱۳۸۲، ۵۴ قتل ناموسی فقط در استان خوزستان اتفاق افتاده است.

قتل ناموسی در تمام دنیا صورت می‌گیرد اما میزان آن در کشورهای آسیایی بیشتر است. کشورهایمانند پاکستان، بنگلادش، اندونزی، اردن و ترکیه بالاترین آمار وقوع قتل‌های ناموسی را دارند.

در کشور ما، قتل‌های عمد را می‌توان به دو دسته تعارض‌آمیز و تجاوزگرانه تقسیم کرد. قتل ناموسی از جمله قتل‌های تعارض‌آمیزی است که در مواردی نظیر برقراری روابط عاشقانه غیرمتعارف، خیانت به همسر، زنا، فرار از خانه، از دست رفتن بکارت، و موارد مشابه که رفتارهای ناموسی، بی‌عفتی، بدنامی، بی‌آبرویی و بی‌حیثیتی تلقی شوند رخ می‌دهد. گاه بدگمانی و سوءظن و انتشار یک شایعه در سطح عموم هم می‌تواند بی‌آبرویی و بدنامی خانواده‌ای را در پی داشته باشد. مجازات هرگونه سوءاستفاده نامشروع در روابط جنسی معمولاً مرگ است. جامعه سنتی مجازات مرگ را تنها راه‌حل خلاصی از ننگ رسوایی می‌داند. معمولاً مردان دارای نسبت خونی و فامیلی اعم از برادر، پدر، پسر، همسر، و دیگر نزدیکان زن مجازات را اجرا می‌کنند. تحلیل جزایی وقوع پدیده قتل ناموسی نشان می‌دهد که آداب و رسوم جامعه و همچنین غلبه فرهنگ مردسالارانه در وقوع قتل‌های ناموسی تأثیر فراوانی دارند. حال اگر قوانین کیفری نیز بر این قبیل قتل‌ها مهر تأیید بزند و قوانین جزادهنده‌ای وجود نداشته باشد که افراد را از این گونه اعمال منع کند، هیچ چیزی مانع و جلودار افراد جامعه در ارتکاب این قتل‌ها نخواهد بود.

۵. بحث و نتیجه‌گیری

مروری بر خشونت‌های اجتماعی و آمار قتل و ضرب و جرح در دهه اخیر نشان می‌دهد که بین توسعه پایدار و امنیت جامعه با خشونت اجتماعی رابطه منفی وجود دارد. آمار خشونت در سال ۱۳۷۶، به ازای هر صد هزار نفر، ۵۴۴ مورد بوده که این آمار در سال ۱۳۸۱ به ۸۱۶ مورد رسیده است. هر چقدر جامعه‌ای توسعه‌یافته‌تر باشد و سرمایه‌گذاری در آن بیشتر در زیرساخت‌های امن صورت گرفته

قتل‌ها به علت اختلافات خانوادگی و ۲۱ درصد به علت مسائل اخلاقی صورت گرفته است. کشف نشدن جنایت و شناسایی نشدن قاتل از علل خشن بودن قتل‌ها به‌ویژه قتل‌های خانوادگی عنوان شده است.^۱

در تحقیق گروه آسیب‌شناسی اجتماعی مرکز مطالعات استراتژیک آریا در مورد «قتل خانوادگی»، پژوهشگران این مرکز با مرور پرونده‌های قتل سال‌های ۱۳۸۸ و ۱۳۸۹ دریافته‌اند که قساوت و سنگدلی مانند مثله کردن یا آتش زدن جنازه، که حاکی از بالا رفتن میزان خشونت در جامعه و عادی شدن جرم و جنایت و از بین رفتن قبح و زشتی گناه و جرم در جامعه است، به وفور در قتل‌ها دیده شده است. نکته دیگری که در این پژوهش مورد توجه قرار گرفته است مسئله اعتیاد و مصرف مواد روانگردان صنعتی است که عامل ۹۰ درصد از موارد قتل والدین به دست فرزندان است و علت اصلی آن اعتراض والدین به شیوه زندگی و اعتیاد فرزندان و وجود مشکلات مالی برای تأمین هزینه‌های مصرف مواد است. علت خشن شدن قتل در این پژوهش، بالا رفتن خشونت، افزایش انزجار و تنفر از والدین، و فشارهای روانی ناشی از سوءمصرف مواد عنوان شده است (ابهری، ۱۳۸۹).

قتل‌های ناموسی

قتل ناموسی یکی دیگر از الگوهای قتل در ایران است که هنوز براساس آداب و رسوم در پاره‌ای از مناطق پابرجاست و قانون و فرهنگ عمومی هم از مرتکبین این قبیل قتل‌ها پشتیبانی می‌کنند. آمار رسمی و پژوهش‌ها نشان می‌دهد که قتل با انگیزه دفاع از ناموس از شایع‌ترین انواع قتل در ایران است. از ۷۱۱ مورد قتل عمد منجر به صدور حکم قطعی در محاکم کیفری استان خوزستان در نیمه دوم سال ۱۳۸۵، ۴۰ مورد ناموسی بوده است. اکثر قاتلان جوان، با میانگین سنی ۲۱ سال، مجرد، بدون سابقه کیفری، با تحصیلات در حد دیپلم، و وضعیت اقتصادی متوسط و ضعیف بودند. قتل‌ها بیشتر در فصل زمستان و شایع‌ترین وسیله قتل سلاح سرد بوده است (اسدالهی و دیگران، ۱۳۸۷: ۱۶۲-۱۶۱).

۱. پایگاه خبری نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۹/۹/۲۳):
<http://news.police.ir/NCMS/FuLLStory/?ID=202636>

لایه‌های درونی جامعه از جمله خانواده‌ها، افراد را به توسل هرچه بیشتر به خشونت برای حل مشکلات خود سوق می‌دهد. با توجه به ابعاد جرایم خشونت‌بار از جمله قتل، هزینه‌های مستقیم جرم، هزینه نیروی پلیس، رنج روحی و سایر تأثیرات منفی غیرمستقیم جرم بر فعالیت‌های اقتصادی، هرگونه راهبرد پیشگیرانه در مواجهه با بزهکار یا بزه‌دیده باید با در نظر گرفتن ابعاد و پیچیدگی‌های خشونت‌های اجتماعی و قتل اتخاذ گردد.

به رغم سیاست‌های کلی برنامه چهارم توسعه در مورد تلاش در جهت تحقق عدالت اجتماعی و ایجاد فرصت‌های برابر و ارتقای سطح شاخص‌های آموزش، سلامت، تأمین غذا، درآمد سرانه و مبارزه با فساد (ماده ۱۳) و برنامه‌های پیشگیری و کاهش آسیب‌های اجتماعی (ماده ۹۷) و با آنکه اجرای این برنامه نیز به پایان رسیده، همچنان شاهد تحرک سریع جمعیت، ناکارآمدی نظام آموزشی و نظام عدالت کیفری، افزایش فساد، گسترش روزافزون قاچاق مواد مخدر و انواع روانگردان‌ها و سوءمصرف آن در بین تمام اقشار جامعه، و انواع تخلفات و رفتارهای ضد اخلاق و ضد قانون هستیم. به علاوه، عدم برخورداری اکثریت افراد جامعه از امکانات و فرصت‌های قانونی برای دستیابی به موقعیت اقتصادی و اجتماعی و وجود بحران اقتصادی و بیکاری فزاینده بسیاری از خانواده‌ها را درگیر فقر و اعتیاد و خشونت ساخته است. در این وضعیت، تنها اجرای طرح‌های ضربتی سرکوب و متعاقب آن زندان، مشکل فضای ناامن جامعه و خشونت‌های اجتماعی را رفع نخواهد کرد. به نظر می‌رسد که سیاست جزادهی و سرکوب در صورتی می‌تواند پایدار بماند که پیش‌زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی در جامعه فراهم گردد. عدالت کیفری وقتی می‌تواند جرایم را مهار کند که دولت‌ها با رعایت حقوق شهروندان و فراهم کردن فرصت‌های آموزشی و بهداشتی، کار، دادرسی عادلانه، رفاه، تفریح و حداقل امکانات زندگی برای عموم افراد جامعه و مبارزه با فساد و نابرابری‌های ساختاری و تضادهای اجتماعی، و کنترل مهاجرت و اعتیاد و بیکاری و تورم و... زمینه‌های ارتکاب خشونت و بزهکاری را از بین ببرند و نظام کیفری را برای انطباق با نیازهای جامعه و مردم توانمند سازند و از بحران سیاست جنایی پیشگیری کنند.

در مقایسه با کشورهای جهان، میزان قتل در ایران همچنان پایین‌تر از بسیاری از کشورهاست. کشورهایی مانند برزیل، چین، ونزوئلا، هند و ایالات متحده آمریکا با چالش افزایش جنایت و

باشد، میزان جرایم خشونت‌آمیز آن هم کمتر خواهد بود. در نتیجه، به موازات رشد اجتماعی و اقتصادی و توسعه یافتگی جوامع، از میزان نابرابری اجتماعی و اقتصادی در آنها کاسته خواهد شد.

نابرابری اجتماعی و اقتصادی منشأ بی‌عدالتی است و بی‌عدالتی زمینه‌ساز خشونت و اعمال بزهکارانه. ساختار مردسالارانه و انحصار قدرت و منابع به مردان و نابرابری حقوقی میان زن و مرد به خشونت‌ها و قتل‌های خانوادگی دامن می‌زند. برخی مواد قانونی از جمله ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی در باب جواز کشتن بیگانه در فراش محرم، موقعیت‌هایی استثنایی و خشونت‌بار فراهم می‌کنند که در آنها به رعایت اصل لزوم دادرسی کیفری توجه نشده است، این مصداق بارز انتقام شخصی و از مهم‌ترین علل افزایش قتل در کشور است. به عنوان نمونه‌هایی دیگر می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ماده ۶۹۵ قانون مجازات اسلامی ناظر بر اینکه قتل یک شخص با اعتقاد به مهدورالدم بودن وی، در صورت اثبات، موجب رفع مسئولیت کیفری از مرتکب می‌شود؛
- ماده ۲۲۰ قانون مجازات اسلامی مبنی بر اینکه پدر و پدربزرگ با کشتن فرزند قصاص نمی‌شوند و به پرداخت دیه قتل به ورثه مقتول و تعزیر محکوم می‌شوند.

دلیل عمده افزایش خشونت در گروه سنی ۱۵ تا ۲۵ سال، که بیشترین آمار قتل مربوط به این گروه سنی است، نزاع و درگیری به‌ویژه با تشکیل گروه‌های شرور و جامعه‌ستیز است. بین نابرابری اقتصادی، فقر، بیکاری، تراکم جمعیت، حاشیه‌نشینی و خشونت‌های اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد. بنابراین، به موازات افزایش توسعه اقتصادی در هر جامعه، از نابرابری درآمد و بیکاری در آن جامعه کاسته و حاکمیت قانون بیشتر خواهد شد و مردم از قوانین و مقررات حاکم بر جامعه پیروی خواهند کرد.

در واقع، توسل به رویه‌های کیفری شدید به منظور مبارزه با خشونت‌های اجتماعی و جرم ممکن است ساده‌ترین راه‌حل باشد اما بی‌شک مؤثرترین نخواهد بود به‌ویژه هنگامی که به زیرساخت‌های جامعه توجهی نشده باشد. در حقیقت، تشدید مجازات‌ها و قوانین کیفری موجب «تشدید خشونت» و بازتولید خشونت در جامعه می‌گردد و گسترش خشونت و تسری آن به

سوتیل، کیت، مویرا پیلو و کلر تیلور. (۱۳۸۳)، *شناخت جرم‌شناسی*، ترجمه روح‌الله صدیق، تهران، نشر دادگستر.
سیگل، لاری. (۱۳۸۵)، *جرم‌شناسی*، ترجمه یاشار سیفالهی، تهران، دفتر تحقیقات کاربردی پلیس آگاهی ناجا.
شجاعی زند، علی‌رضا. (۱۳۷۹)، «توسعه فراگیر، امنیت پایدار»، *امنیت*، ش ۹ و ۱۰.

شمس، علی. (۱۳۸۶)، *آمار زندانیان ۸۵ - ۱۳۵۸*، تهران، راه تربیت.
شیخی، محمدتقی. (۱۳۸۵)، *جامعه‌شناسی توسعه*، تهران، نشر حریر.
_____. (۱۳۸۷)، *جامعه‌شناسی شهروندی و آسیب‌شناسی شهری*، تهران، نشر حریر.

عامری سیاهویی، حمیدرضا. (۱۳۷۹)، «خشونت در رویارویی با شهرسازی و معماری نوین»، *امنیت*، ش ۹ و ۱۰.
عبدی، عباس و سمیرا کلهر. (۱۳۸۸)، *مجموعه مقالات جامعه‌شناختی درباره جرم، مجرم و مجازات در ایران*، تهران، نشر علم.
قاسمی، راضیه. (۱۳۸۷)، *مطالعه جرم‌شناختی خشونت در مدارس شهر اصفهان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه تهران.
کلدر، مایکل، دنیس گات و ریچارد می‌یو. (۱۳۷۷)، *مبانی روان‌پزشکی (روان‌شناسی بالینی)*، ترجمه کیانوش هاشمیان و الهام ابوحمزه، تهران، تیبان.

گزارش جهانی خشونت و سلامت. (۱۳۸۶)، ترجمه مامک افتخاری، شهرام رفیعی‌فر و جمشید کرمانچی، تهران، تندیس.
گسن، ریموند. (۱۳۷۴)، *جرم‌شناسی نظری*، ترجمه دکتر مهدی کی‌نیا، تهران، مجمع علمی و فرهنگی مجد.
گلدوزیان، ایرج. (۱۳۸۲)، *حقوق جزای اختصاصی*، ج ۹، تهران، دانشگاه تهران.
مامسن، جنت هنشل. (۱۳۸۷)، *جنسیت و توسعه*، ترجمه زهره فنی، تهران، دانشگاه تهران و مرکز مطالعات زنان.

معظمی، شهلا. (۱۳۷۹)، «پیشگیری از جرم»، *امنیت*، ش ۹ و ۱۰.
_____. (۱۳۸۸)، *نزهکاری کودکان و نوجوانان*، تهران، نشر دادگستر.
موسوی، سیده سکینه. (۱۳۸۷)، *بررسی عوامل مؤثر بر انحراف همسرکشی زنان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مطالعات زنان، دانشگاه الزهرا.
«موقعیت جنبش انقلابی در امریکای لاتین». (۱۳۸۸)، *چیستا*، ش ۲۶۲.
میری آشتیانی، الهام. (۱۳۸۲)، *مقدمه‌ای بر آسیب‌شناسی مسائل اجتماعی در ایران*، تهران، فرهنگ گفتمان.
نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین. (۱۳۷۹)، «دوران گذار، خشونت و امنیت عمومی»، *امنیت*، ش ۱۱ و ۱۲.

نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، آمارهای سالیانه قتل، معاونت طرح و برنامه و بودجه، اداره آمار.
هزاوه‌ای، محمدرضا. (۱۳۸۳)، «معناشناسی خشونت»، *مطالعات راهبردی زنان*، ش ۲۳.

خشونت در شهرهای بزرگ خود دست به گریبان‌اند. اگرچه بسیاری از اعمال تب‌هکارانه نتیجه هنجارگسیختگی و ازخودبیگانگی و پیامد اجتناب‌ناپذیر تغییر و تحولات سریع اجتماعی و اقتصادی و سیاسی کشورهاست، اما در شرایط موجود نیز می‌توان با جلب اعتماد عمومی و مشارکت مردمی و اتخاذ مجموعه‌ای از اقدامات فوری اجتماعی و اقتصادی و سیاسی، به‌ویژه اصلاح ساختار نظام آموزشی و نظام عدالت کیفری، بخش بزرگی از خشونت‌های اجتماعی و قتل را مهار کرد. در غیر این صورت باید در انتظار ابعاد گسترده‌تری از خشونت‌های اجتماعی و قتل در جامعه خود باشیم.

منابع

آشوری، محمد و شهلا معظمی. (۱۳۸۰)، *همسرکشی در ۱۵ استان کشور*، طرح تحقیقاتی مؤسسه جرم‌شناسی دانشگاه تهران.
آقایی، بهمن. (۱۳۸۵)، *فرهنگ حقوقی بهمن*، تهران، گنج دانش.
ابوت، پاملا و کلر والاس. (۱۳۸۱)، *جامعه‌شناسی زنان*، ترجمه منیژه نجم عراقی، تهران، نشر نی.
ابه‌ری، مجید. (۱۳۸۹)، *قتل خانوادگی*، مرکز مطالعات استراتژیک آریا:
<http://www.aftabnews.ir/vdcewe8zvjh8zzi.b9bj.htm>
احمدی، حبیب. (۱۳۸۸)، *جامعه‌شناسی انحرافات*، تهران، سمت.
استور، انتونی. (۱۳۷۲)، *ویرانگری در انسان*، ترجمه پروین بلورچی (رستم کلایی)، تهران، نشر روایت.
اسدالهی، عبدالرحیم، محمود براتوند و شاهرخ ولیزاده. (۱۳۸۷)، «بررسی ویژگی‌های اجتماعی مجرمین قتل‌های ناموسی در زندان‌های خوزستان» *مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان*، ش ۱۰.
افتخاری، علی، مظاهر قربانی و جابر قره‌داغی. (۱۳۸۴)، «بررسی روش‌ها و انگیزه‌های مختلف قتل در تهران بزرگ و عوامل مرتبط با آن از اول مهر ۱۳۸۲ تا آخر شهریور ۱۳۸۳»، *پژشکی قانونی*، دوره ۱۱، ش ۴.
انجمن جامعه‌شناسی ایران. (۱۳۸۶)، *گزارش نشست گروه مسائل و آسیب‌های اجتماعی (بررسی وضعیت قتل‌های خانوادگی)*.
بوئر، اگزویه روفر. (۱۳۸۲)، *خشونت و ناامنی شهری*، ترجمه محمدرضا گودرزی، تهران، مجمع علمی و فرهنگی مجد.
پینه‌رو، پائولو سرجیو. (۱۳۸۷)، *گزارش جهانی در مورد خشونت علیه کودکان*، تهران، یونیسف.
چلبی، مسعود. (۱۳۸۵)، *تحلیل اجتماعی در فضای کنش*، تهران، نشر نی.
حبیب‌زاده، محمدجعفر، محمدعلی طاهری و علی‌حسین نجفی ابرندآبادی. (۱۳۸۵)، *خشونت و نظام عدالت کیفری*، قابل دسترسی در:
<http://www.olumensani.com>
دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۳۷)، *لغت‌نامه*، تهران، بینا.

- Whose Honour", *Asia-Pacific Journal on Human Rights*.
- UCR Crime Statistic: www.disastercenter.com
- US Census Bureau: <http://www.ph.ucla.edu/sph/pr/wro38.html>
- World Health Organization. (2010), Violence, Injuries and Disability. Biennial Report 2008-2009, available at: whqlibdoc.who.int/publications/2010/9789241599474-eng
- Campbell, H. (1998), *Blacks Law Dictionary*, West Publishing Co.
- Hunter, R. (2006), "Law's (Masculine) Violence: Reshaping Jurisprudence", *Law and Critique* 17/1.
- Imbush, J. H. (2005), *Violence Research*, Kluwer Academic Pub.
- Tripathi, A. and S. Yadav. (2004), "For the Sake of Honour, But

